

علامه کبیر حضرت آیت الله حاج آقا

شیخ علی اکبر نهاوندی (ره)

بسم الله الرحمن الرحیم

شرح حال آیت الله شیخ علی اکبر نهاوندی

نویسنده:

حسین احمدی قمی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شرح حال علّامه کبیر حضرت آیت اللَّه علی اکبر نهاوندی قدس سره

مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدی حسین ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور : شرح حال علامه کبیر حضرت آیت الله حاج آقا علی اکبر نهاوندی قدس سره/ به کوشش حسین احمدی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۵۳ص.: نمونه.

شابک : ۵۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۷۱-۱

يادداشت : عنوان روی جلد: علامه کبیر حضرت آیت الله حاج آقا شیخ علی اکبر نهاوندی ره

يادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : علامه کبیر حضرت آیت الله حاج آقا شیخ علی اکبر نهاوندی ره

موضوع : نهاوندی علی اکبر، ۱۲۳۸ - ۱۳۲۹. -- سرگذشتنامه

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۵۵/۳ /ن۹۳ الف۳ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۷۲۷۸۱

ص:۱

اشاره

ماه نهاوند

حاج شیخ علی اکبر نهاوندی فرزند شیخ حسین نهاوندی خراسانی در سال ۱۲۳۸ش در نهاوند(۱) دیده به جهان گشود، و پس از سپری کردن دوران کودکی در دامن خانواده ای مذهبی وارد حوزه علمیه آن شهر شد.

ایشان مقدمات علوم دینی را در موطن خود نزد شیخ جعفر بروجردی و حاج محمد سره بندی فراگرفت، سپس به بروجرد رفت و در مجلس درس

ص:۷

---

۱ - ۱. نهاوند به لحاظ تقسیمات کشوری یکی از شهرستان های همدان با مساحتی معادل ۱۵۳۵ کیلومتر مربع است، این شهرستان در موقعیت ۴۸ درجه و ۲۲ دقیقه طول جغرافیایی و ۱۲ دقیقه عرض جغرافیایی قرار گرفته و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۷۴۰ متر است. نهاوند در طول دره ای در میان کوهستان شمالی و جنوبی قرار گرفته و رودخانه معروف گاماسیاب تقریباً از وسط این دره می گذرد. به استناد تحقیقات پرفسور گریشمن، حدود ۳۷ قرن قبل از میلاد مسیح قومی در این شهر زندگی می کرده اند که تمدنی شبیه تمدن بین النهرین داشته و بعدها به دست اقوام دیگر از بین رفته است. این شهر مقارن انقراض هخامنشیان در حمله اسکندر مورد هجوم و تاخت و تاز قرار گرفته؛ در جنگ فتح الفتوح، مردم نهاوند به سپاهیان اسلام یاری رساندند، در دوره قاجاریه ناصرالدین شاه ضمن بازدید از این شهر دستور می دهد قلعه نهاوند را که دژی تاریخی محسوب می شد، خراب کنند (تلخیص از بخش اوّل جغرافیای تاریخی نهاوند، علی اکبر افراسیاب پور) حوزه علمیه نهاوند در گذشته از رونق خاصی برخوردار بوده و فرزانگان بسیاری را به جامعه تحویل داده است و آثار برجای مانده در این دیار خبر از وجود بزرگ مردانی می دهد که همچون ستارگان درخشان در آسمان دین و فرهنگ، پرتو افشانی می کنند. (گلشن ابرار، ج ۳، ص ۲۹۳).

شیخ آقا شیخ الاسلام(۱) میرزا حسین تویسرکانی و سید ابوطالب بروجردی شرکت جست.

بعد از مدتی به مشهد امام علی ابن موسی الرضاعلیهما السلام رفته و نزد فرهیختگان نامداری چون: شیخ عبدالرحیم بروجردی(۲)، حاج میر سید علی حایری یزدی(۳) و حاج شیخ محمد تقی بجنوردی(۴) به تحصیل علم پرداخت.

حاج شیخ علی اکبر نهاوندی بعد از بهره گیری از حوزه علمیه مشهد و علمای

ص:۸

۱- ۲. وی در ۱۶ رمضان ۱۲۴۰ قمری در تبریز متولد شده و بعد از سپری کردن دوران رشد و تحصیل به تألیف پرداخته است. مفتاح البسمله و منتهی المقاصد اولین تألیفات وی در دوران جوانی می باشد. فقه و اصول را از شیخ مرتضی انصاری و شیخ خنفر و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء بهره گرفته، وی سرانجام در مکه معظمه در سال ۱۳۱۰ ق دار فانی را وداع گفته است. ر.ک: علمای معاصرین، ص ۸۴ – ۷۷.

۲- ۳. شیخ عبدالرحیم نیّری بروجردی از علمای باتقوا و با فضیلت قم است که در اطراف بروجرد به دنیا آمده و پس از طی مقدمات در بروجرد سطوح را از محضر علّامه فقیه آیت اللّه العظمی نجفی مرعشی و بعضی دیگر استفاده نمود. وی پس از ورود آیت اللّه مرحوم بروجردی در ابحاث فقه و اصول وی حاضر شده است. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۸۸.

۳- ۴. حاج میرزا سید علی فرزند میرزا محمد صادق یکی از علما و مجتهدین و از اساتید فضلای قرن اخیر در استان یزد بودند. او در سامرا شش سال از کرسی درس میرزای بزرگ استفاده نمود و بعد از فوت مرحوم فشارکی از کرسی درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا خلیل به خوبی بهره مند شد. اساتید او مخصوصاً آخوند خراسانی خیلی به این سید بزرگوار علاقه داشتند. نوشته اند که در سوم شعبان ۱۲۸۴ ق متولد شد و در شب عاشورا ۱۳۶۴ ق به اجداد عظامش پیوست. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۷۹.

۴- ۵. شیخ محمد تقی از اعلام بزرگوار و زهّاد نامدار و از شاگردان شیخ انصاری و صاحب جواهر بوده است. وی پس از تکمیل فنون معمول در مشهد مقدس رضوی مجاور شده است. به احتمال معظمٌ له در ۱۴ صفر ۱۳۱۴ ق وفات یافته و در دار السیاده دست چپ متصل به درب مسجد گوهرشاد مدفون شده است.ر.ک: تاریخ علمای خراسان، ص ۲۵۸؛ فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۶۹۲.

آن شهر به اصفهان رفته و از علمای این شهر نیز بهره گرفت و بعد از مدتی به تهران رفته و تا ۱۲۸۷ ش در طول سال هایی که مصادف با انقلاب مشروطیت بود، در تهران اقامت اختیار کرد. وی در این مدت در بحث فقه حاج محمد حسن آشتیانی(۱) و در بحث عرفان و علوم عقلی مرحوم حیدر خان نهاوندی، میرزای جلوه(۲) و محمدرضا قمشه ای از اساتید فن حضور یافت.

آن گاه به عتبات عالیات و شهر مقدس سامرّا هجرت نمود و در مجلس درس میرزای بزرگ شیرازی(۳) شرکت کرد. وی در سال ۱۳۰۸ ق به نجف

ص:۹

۱- ۶. میرزا محمد حسن آشتیانی تهرانی عالم محقق و فاضل مدقق از اعیان علمای ایرانی و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری رحمه الله می باشد. وی دارای تألیفات زیادی از جمله: حاشیه بر رسائل استادش است، سال ۱۳۱۱ ق بعد از حج به عراق رفته و در ۱۳۱۹ ق در تهران وفات یافته است. جنازه او به نجف منتقل داده شده و در مقبره شیخ جعفر شوشتری مدفون گردید. ر.ك: فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۷۲۲؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۴۹؛ علمای معاصرین، ص ۷۰ و ۳۷۹.

۲- ۷. سید ابوالحسن بن محمد طباطبایی اصفهانی زواری معروف به میرزای جلوه متخلص به جلوه از اکابر فلاسفه اسلامی از احقاد سید الحکماء المتألهین میرزا رفیع الدین نائینی استاد علامه مجلسی است. وی در ذی القعده ۱۲۳۸ ق در احمد آباد کجرات هند تولد یافت. وی بسیاری از اوقات خود را در علم معقول مصروف داشته تا اینکه به تهران رفته و در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید و ناصرالدین شاه قاجار نیز وی را در همان جا دیدار می کرده تا آن که شب جمعه ششم ذی القعده ۱۳۱۴ ق در همان جا وفات یافته و در جوار صدوق بن بابویه مدفون گردید. ر.ك: ریحانه الادب، ج ۱، ص ۴۲۰.

۳- ۸. میرزا محمد حسن بن میرزا محمود حسینی شیرازی نجفی، اشهر مرجع امامیه در تمام بلاد اسلامیه در زمان خودش، در ۱۵ جمادی الاولی ۱۲۳۰ ق در شیراز متولد شد و در نجف در درس صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف الغطاء حاضر شده و پس از آن ها عمده استفاده اش از علامه شیخ مرتضی انصاری بوده، آثار و خدمات آن جناب به عالم تشیّع بسیار است؛ یکی از آن ها تشکیل حوزه علمیه و بناء مدرسه در سامرا بوده. از خدمات دیگر ایشان تحریم تنباکو بوده، صاحب الذریعه کتابی به نام {هدیه الرازی الی مجدد شیرازی} نوشته و در آن بسط کلام داده است، میرزای شیرازی در ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ به کسالت سل از دنیا رفت. ر.ك: گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۴۲۹ - ۴۲۷.

اشـرف عزیمت کرده و در ایـن شـهر از محضـر آیـات عظـام: سـید محمـد کـاظم طباطبـایی یزدی(۱)، محمـد کـاظم آخوند خراسانی(۲)، شیخ محمد طه نجف(۳)، میرزا حبیب اللّه رشتی(۴)، شیخ الشریعه اصفهانی،(۵) شیخ محمد حسن

ص:۱۰

۱- ۹. سـید محمـد کاظم فرزند سـید عبدالعظیم طباطبایی یزدی معروف به علامه یزدی صاحب عروه یکی از بزرگترین علما و مراجع جهان تشیع در قرن ۱۴ است که پس از میرزای بزرگ و آخونـد خراسانی تـدریس چنـدین ساله حوزه نجف اشـرف و همچنین زعامت و مرجعیت جهان تشیّع به او منتهی گردید. وی در سال ۱۲۵۶ ق متولد و ۲۸ رجب ۱۳۳۷ ق وفات نمود و در صحن مطهر علوی مدفون گردید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۴۰ – ۴۳۷؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۳۴۹ – ۳۴۷.

۲- ۱۰. ملا محمـد کاظم فرزند ملا حسن معروف به آخوند خراسانی صاحب کفایه یکی از بزرگترین آیات و مدرسـین حوزه نجـف در قرن اخیر است وی دانشـمندی اصولی، مجتهـدی خـاضع و فقیهی کم نظیر در جهـان تشیع بود. وی در ۱۲۵۵ ق در مشـهد دیده به جهان گشود. در سال ۱۲۷۸ ق در نجف اشـرف وارد حوزه درس علامه شـیخ مرتضی انصاری گردید. مرحوم آخوند خراسانی یکی از بزرگ ترین ارکان علم اصول بود و کار تحصیلی ۳۰ ساله علما را به وسیله اثر ارزنده خویش {کفایه الاصول} به سال تبدیل نمود وی در ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۹ ق دار فانی را وداع گفت. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۹۳ – ۹۲؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۳۴۰ – ۳۳۹.

۳- ۱۱. شیخ محمـد طه فرزنـد شـیخ مهدی یکی از بزرگان علما و مراجع شـیعیان عراق بود، وی از شاگردان پدر بزرگوارش شیخ مهدی نجفی و شیخ محسن خنفر نجفی و شـیخ انصاری بود که خود به مقام اسـتادی و اجتهاد نایل گردید. محمد طه در فقه و اصول و حدیث و تفسـیر یدِ طولایی داشت، پس از فوت محمد حسن کاظمینی و علامه کاظمینی در رأس علما و مراجع عراق قرار گرفت، وی سـرانجام در روز دوشنبه ۴ شوال ۱۳۲۳ ق در نجف اشـرف وفات نمود و در جنب شیخ انصاری مدفون شد. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۲۴.

۴- ۱۲. مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه رشتی از علما و مراجع بزرگ شیعیان می باشد که ضمن سپری کردن مقدمات علوم دینی بیشتر مراتب علمی و درجات اجتهادی او از کرسـی درس شـیخ المتاخرین اسـتاد انصاری نصیبش گردید. بدایع الافکار، بدایع الاـصول و ... برخی از آثـار بی نظیر وی می باشـد، وی در ۱۲۳۴ ق در رشت متولـد و در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۱۲ در نجف ندای حق را لبیک گفت. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۰۲ – ۳۰۱.

۵- ۱۳. حاج ملا فتح اللّه فرزند ملا محمدجواد نمازی شـیرازی، معروف به آقا شـریعت و شـیخ الشـریعه یکی از علمای بزرگ شیعه در قرن ۱۴ است وی از محضر علامه خوانساری فقیه کاظمینی، شیخ محمد طه و مرحوم میرزا حبیب اللّه رشتی مرتباً بهره مند بود. شـریعت اصفهانی فقیهی اصولی، حکیمی متکلم و مجتهدی جامع و دانشمندی مجاهد بود که در کنار میرزای مجاهد در سطح مجاهدین و مبارزین با استعمارگران غربی بود. تولد وی در ۱۲۶۶ ق در اصفهان بوده و وفات آن بزرگوار در اواسط ربیع الثانی ۱۳۳۹ ق در نجف اتفاق افتاد. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۵۱؛ ریحانه الادب، ج ۳، ص ۲۰۶.

مامقانی(۱)، مولی لطف اللّه مازندرانی(۲) و ثقه المحدثین مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری بهره ها برد.(۳)

شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله پس از بهره گیری از محضر اساتید بزرگ، تحصیل معارف الهی را به پایان برده و به درجه اجتهاد دست یافت و در علوم حدیث ضمن استفاده از کلاس درس میرزا حسین نوری از محضر میرزا حبیب اللّه رشتی، سید ابوالقاسم بن معصوم اشکوری،(۴) سید حسین

ص:۱۱

۱- ۱۴. شیخ محمد حسن مامقانی فرزند ملا عبداللّه از علما و مراجع مشهور اوایل قرن ۱۴ ه. ق می باشد. مامقانی از افاضل شاگردان شیخ انصاری، سید حسین ترک و اعلام دیگر عتبات بود فاضل مامقانی در اصول فقه مهارت بیشتر داشت و علمایی چند از محضر او به درجه اجتهاد رسیدند. فاضل مذکور سرانجام در روز ۱۸ محرم ۱۳۲۳ ق در نجف اشرف وفات نمود. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۰؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۳۲۶.

۲- ۱۵. صاحب احسن الودیعه گوید: مولانا آخوند، ملاـ لطف اللّه آملی مازندرانی نجفی، از اکابر علمای عصر خود و از اعاظم فقهای دهر بود. وی از مشایخ روایتی علامه سید ابوتراب خوانساری بوده است. سید ابوتراب وصی شیخ و کفیل اهل و عیالش بود. ملاـ لطف اللّه مازندرانی مؤلفاتی در فقه و اصول دارد که نزد وصی خود سید مرحوم بوده است. وی در سال ۱۳۱۱ ق ندای حق را لبیک گفت. ر.ک: احسن الودیعه، ج ۲، ص ۱۷؛ علمای معاصرین، ص ۸۶؛ مأثر و آثار، ص ۵۴.

۳- ۱۶. ریحانه الادب، ج ۶، ص ۲۷۰ - ۲۶۹.

۴- ۱۷. سیّد ابوالقاسم بن سید معصوم حسینی گیلاتی، اشکوری الاصل، نجفی المسکن والمدفن، از اکابر فقها و مجتهدین امامیه و از شاگردان میرزا حبیب اللّه رشتی بود. بغیه الطالب فی حاشیه المکاسب، شرح مکاسب شیخ انصاری و جواهر العقول فی شرح فوائد الاصول شرح رسائل مرتضی انصاری از جمله تألیفات وی می باشد. سیّد ابوالقاسم سرانجام در سال ۱۳۲۴ ق در نجف وفات یافت. ر.ک: ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۳۵.

کوه کمره ای(۱) و سید مرتضی کشمیری(۲) بهره ها گرفته و در حوزه های علمی به عنوان یکی از بزرگان علم، اشتهار یافت و جامعیتی را به دست آورد که بعدها با ترکیب آن ها با علوم عقلی، شایستگی عنوان علامه را به دست آورد.

به روایت آقابزرگ تهرانی، علامه نهاوندی در اواخر سال ۱۳۱۹ ق به دلیل مَرَضی که وی را رنجور ساخته بود به ایران آمد، یک ماه و نیم در تبریز ماند و از آن جا به نهاوند رفت و تا نیمه ذی الحجه سال ۱۳۲۲ ق در آن جا ماند. در همان زمان کلنگ مسجد سر خیابان به دست ایشان به زمین زده شد.

در سال ۱۳۲۲ ق سفری به قم نموده، و به ملاقات بزرگان آن دیار چون آیهاللّه سید صادق قمی رحمه اللّه علیه واصل شده است.(۳)

ص:۱۲

۱- ۱۸. حسین بن محمد بن حسن ... بن علی اصغر بن حضرت سجادعلیه السلام معروف به سید حسین ترک از مراجع علما و اساتید بزرگ فقها در اواخر قرن ۱۳ است. علامه کوه کمره ای در فقه و اصول ید طولایی داشت و پس از مرحوم شیخ انصاری از علمای بزرگ حوزه عراق محسوب می شد. متجاوز از ۸۰۰ نفر از علمای بزرگ به درس او حاضر می شدند که امثال علامه شرابیانی، فاضل مامقانی و صدها نفر دیگر از شاگردان این سیّد استاد بودند. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۱،ص ۳۰۷؛علمای بزرگ شیعه، ص ۲۷۷.

۲- ۱۹. سید مرتضی رضوی حایری ابن سید مهدی کشمیری عالمی فقیه و محدثی نبیه و ناسکی ورع و پارسایی متقی بود آن بزرگوار داری تألیفات فراوانی در علم حدیث و اخلاق و سیره بوده است، مدت کمی به درس مرحوم آیت اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی حاضر شده و بعد چون خود را اهل استنباط و اجتهاد می دانسته جلسات درس را ترک می کند. وی دارای اجازات عدیده از بزرگان علم و حدیث و فقها و نسّابین مانند: علامه شیخ نوح قرشی جعفری و علامه شیخ محمد حسین کاظمی و نسّابه بزرگوار علامه سید محمود مرعشی بوده است وی در سال ۱۳۵۰ ق به رحمت حق پیوسته است. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۳۸۶ - ۳۸۳.

۳- ۲۰. گلزار اکبری و لاله زار منبری، ص ۳۴۹.

و در محرم ۱۳۲۳ ق / ۱۲۸۱ ش به تهران هجرت نموده و تا سال ۱۲۸۷ ش در تهران ماند.

مرحوم نهاوندی در سال ۱۳۲۸ ق / ۱۲۸۷ ش؛ یعنی چهار سال پس از انقلاب مشروطه به مشهد آمد و مجاور امام عالمان عالم شد و مورد استقبال همه مردم قرار گرفت و به تدریج مقبولیت عامه یافت و تا مدت ۱۲ سال بین الطلوعین ماه رمضان و بین الطلوعین دهه اوّل ماه محرم در مسجد گوهرشاد و شبستان نهاوندی مردم را ارشاد می کرد و در همان مسجد به اقامه نماز می پرداخت و بزرگان شهر و پرهیزکاران به او اقتدا می کردند.

در سال ۱۳۳۲ از طریق عتبات به استانبول رفته، به درک مزار صحابی پاک پیامبر ابوایوب انصاری نایل شده(۱) و از آنجا راهی بیروت شده، ملاقاتی با شیخ یوسف بنهانی از علمای عامه داشته و سپس سفر روحانی حج را آغاز کرده است که در ادامه گزارش کامل سفر حج ایشان به قلم خود آن گرامی، آمده است.(۲)

در جلالت مقام علامه نهاوندی رحمه الله همین بس که کلمه «حاج شیخ» با قرینه نماز و مسجد به روحانی مورد وثوق و اعتماد غالب مقدسین مشهد مرحوم آقای حاج شیخ علی اکبر نهاوندی امام جماعت شبستان بزرگ مسجد گوهرشاد منصرف شد.

مواعظ مرحوم نهاوندی مالامال از نکات نغز و مؤثر و با لهجه ای صادقانه

۱- ۲۱. همان، ص ۴۵۶.

۲- ۲۲. همان، ص ۳۳۹.

و همراه بـا اخلاص بود. حالات عبادی و خضوع و خشوع مخصوص به خود داشت. وی در سال ۱۳۶۶ ق / ۱۳۲۶ ش به عتبات مقدسه رفته و شادروان شـیخ اسماعیل نجومیان(۱) تاریـخ بازگشت ایشان را در دیوان خود آورده است، وی در سال ۱۳۶۷ ق به قم مشرّف شده و مورد تجلیل مرحوم شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم قرار گرفت.

علامه شـیخ علی اکبر نهاونـدی رحمه الله با این که چهل سال تمام ریاست دینی خراسان را به عهـده داشت، انسان پرهیزکاری بود و عمر خود را در خدمت به مردم و انجام وظایف دینی صرف می نمود.

وی که چندین دهه زمام امور روحانیت مشـهد بلکه خراسان را در اختیار داشت، جز خودش احدی را در هیچ یک از کارهای مربوط به خود دخـالت نمی داد، حتی امور مربوط به منزل را تـا مـدتی خودش انجـام می داد و احتیاجـات خود را از بازار می خرید و هرگز تغییری در آداب و اخلاق وی مشاهده نشد. همیشه می کوشید، اختلاف گروه های اجتماعی را از میان بردارد و میان همگان وحدت و یکپارچگی به وجود آورد.

از فقهـا و اساتیـد بزرگ علمـا در اواخر قرن ۱۳ هجری بـود وی بـا میرزای بزرگ و فاضـل ایروانی معاصـر بود و این بزرگوار خیلی مورد توجه شـیعیان عراق بود شـیخ محمـد حسن همچنین بـا شـیخ جعفر شوشتری صـمیمیت زیـادی داشت و به اتفاق به درس مرحوم کاظمینی صاحب نقد الرجال حاضـر می شدند. ر.ک: علمای بزرگ شـیعه، ص ۲۹۲. بعد از تبعید به ایران همراه مرحوم آیت اللّه شیخ مهدی خالصی

۱- ۲۳. شـیخ اسـماعیل فرزند ملا ابراهیم نقاش و زرگر فرزند آخوند ملا محمد اسماعیل منجم خراسانی در ۶صفر ۱۳۰۲ق در مشـهد دیـده به جهـان گشود بیشتر اوقات دوران جوانی نجومیان صـرف مطالعه و آموزش علوم دینی شـده است. وی در دوره کشف حجاب به قصد اقامت دایم با خانواده به عتبات رفت ولی پس از ۶ ماه به ایران برگشت و روستای شاندیز واقع در غرب مشـهد را برای سکونت برگزید دیوان نجومی خراسانی از جمله آثار ادبی نجومیان است که به اهتمام فرزندش حسین نجومیان از سوی بنیاد پژوهش های اسـلامی آسـتان قدس رضوی به چاپ رسـیده است. نجومیان شب جمعه ۲۹ مهر ۱۳۵۶ ش در حال خواب جان به جان آفرین تسـلیم کرد و در صـحن عتیق حرم امام رضاعلیه السـلام دفن گردیـد. ر.ک: مشاهیر مـدفون در حرم رضوی، ص ۳۳۳.

(۱) به مشهد آمد و در این شهر کمیته ای را همراه با تعدادی از علمای مهاجر و مجاور از جمله مرتضی یزدی، حاج آقا حسین قمی، شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ محمد نهاوندی،(۲) شیخ حسن برسی(۳)، سید

صد

الدین،(۴)

ص:۱۵

۱- ۲۵.حاج شیخ مهدی خالصی کاظمی المسکن و خراسانی المدفن می باشد در ایام حکومت عثمانیه با جمعی از علمای مجتهدین مجاهد و از بین امثال و اقوام به وظایف اسلامیه و شئون دینیه قیام و نهضت ها با حکومت عراقیه نمود تا این که در سال ۱۳۴۱ ق وی را به حجاز تبعید نمودند و بنابر دعوت دولت ایران متوجه ایران شد. تولدش در ۱۵ ذی الحجه الحرام ۱۲۷۷ ق در کاظمیه واقع شده و فوت ایشان در ۱۲ رمضان ۱۳۴۳ ق در مشهد واقع گردید. ر.ك: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۳۱ – ۲۲۹؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۲۷۴.

۲- ۲۶. آیت اللّه حاج شیخ محمد نهاوندی متخلص به تجلّی در ۱۵ رجب ۱۲۹۱ ق در نجف اشرف متولد شد وی برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات رفته و مدتی در کربلا از محضر درس سید اسماعیل صدر اصفهانی بهره گرفته و پس از آن به نجف اشرف رفته و از محضر مرحوم آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، حاج میرزا حسن خلیلی تهرانی و شیخ عبداللّه مازندرانی استفاده برده است، وی همچنین مدتی در سامرا بوده و از محضر میرزا محمد تقی شیرازی مشهور به میرزای دوم بهره جست. وی از شاهدان عینی به توپ بستن حرم مطهر رضوی {۱۳۳۰ ق} بوده که در ۲۵ ربیع الاخر ۱۳۷۱ ق دار فانی را وداع گفت و در آستان قدس رضوی مدفون گردید. ر.ك: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۹۱؛ الذریعه، ج ۱۲، ص ۱۶۳.

۳- ۲۷. حاج شیخ حسن برسی از مدرسین بزرگوار عصر خود و از متنفّذین آستان قدس رضوی بوده و حوزه درس او از سایر حوزه ها با اهمیت تر و افاضل طلاب به حوزه او حضور می یافتند. وی چندی بر اثر کسالت از مشهد به برس رفت و پس از مدتی همچنین که بیمار بود به عتبات عالیات هجرت کرد و در سال ۱۳۵۳ ق در آن جا وفات یافت. ر.ك: تاریخ علمای خراسان، ص ۲۶۰.

۴- ۲۸. سید صدرالدین بن سید اسماعیل صدر موسوی آملی یکی از معاضدین مرحوم آیت اللّه حائری و زعمای سه گانه بعد از آن مرحوم و یکی از دو وصی معظم له است که از فوت مرحوم حائری تا ورود مرحوم آیت اللّه بروجردی با مساعدت و معاونت دو قرین دیگرش مرحومین آیت اللّه حجت و خوانساری حوزه علمیه قم را در آن شرایط سخت حفظ و نگهداری نموده. تولد آن بزرگوار در ماه رجب ۱۲۹۹ ق در کاظمین واقع شده و در ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۷۳ ق داعی حق را لبیک اجابت گفته است. ر.ك: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۲۹ – ۳۲۶.

حاج ملاهاشم، حاج سید عباس شاهرودی،(۱) سید رضا قوچانی(۲) و آیت اللّه آقازاده(۳) به منظور ایجاد ارتباط با مسلمانان دیگر و مشارکت اسلامی با آن ها و جلوگیری از فعالیت های غیر دینی از جمله مصرف نوشابه های الکلی و بی حجابی زنان و شرکت بانوان در تئاتر پدید آوردند.

ص:۱۶

۱- ۲۹. حاج سید عباس بن سید علی موسوی شاهرودی مشهدی از اجلّای علمای خراسان است، وی در شاهرود متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات ادبیات به تهران آمده و از محضر مدرسین بزرگ تهران چون مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه در فلسفه و آیت اللّه میرزا محمد حسن آشتیانی در فقه و اصول استفاده نموده تا به مقام بلندی در معقول و منقول رسیده است. بسیاری از علما و فضلای خراسان و مشهد از محضرش استفاده نمودند وی در سال ۱۳۴۱ ق مشرّف به عتبات عالیات شده و در مراجعت در هشتم شوال همان سال دار فانی را وداع گفته است. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۳۶۴؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۳۸۳.

۲- ۳۰. مرحوم حاج سید رضا قوچانی از علماء و ائمه جماعت مشهد رضوی و از شاگردان آخوند خراسانی بودند. وی در مراجعت از نجف در ارض اقدس مقیم و متجاوز از سی سال در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت می کرده و بنا به نوشته آقای مروّج در شب ۲۴ شوّال ۱۳۶۸ قمری وفات یافته و در صحن جدید مدفون شد. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۵۷؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۲۹۵.

۳- ۳۱. در اوایل تأسیس حوزه علمیه قم مرحوم آیت اللّه حاج میرزا محمد کفایی فرزند مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ریاست حوزه علمیه مشهد مقدس و زعیم اوّل آستان خراسان به قم آمده و مورد تجلیل روحانیت قرار گرفت و پس از چندی زیارت و ملاقات مراجع بزرگ قم به خراسان مراجعت و در غائله مسجد گوهرشاد از راه یزد به تهران تبعید و در آنجا از دنیا رفت {البته به دست پزشک احمدی به شهادت رسید} و در شهر ری در جوار سید و کریم عبد العظیم حسنی در مقبره ناصرالدین شاه مدفون گردید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۴۴.

مرحوم نهاوندی در طول چهل سال اقامت خود در مشهد منشأ خدمات زیادی شد، در روزگار وی مدرسه های دینی رضوان، ابدال خان، نواب، باقریّه، دو درب، سلیمانیه، بالا سر، میرزا جعفر، عباسقلی خان، پریزاد و حاج حسن دایر بود و ایشان ضمن رسیدگی به این مدارس، مبالغی را جهت تأمین مدرسین و طلاب اختصاص داده بود و مبلغی را بین طلاب خراسانی مقیم نجف توزیع می کرد و مبالغی در اختیار فقرا می گذاشت و مقدار قابل اعتنایی نیز جهت فقرای شهرستان نهاوند می فرستادند، ایشان در اواخر حیات خود تا ۱۲۰ خروار زغال در فصل زمستان میان فقرا تقسیم می کرد.

مرحوم نهاوندی و مبارزه با دیکتاتوری رضاخانی

در سال ۱۳۱۴ شمسی و پس از امر رضاخان به کشف حجاب زنان و نیز پوشیدن لباس یک نواخت غربی و استفاده عمومی از کلاه غربی (کلاه شاپور) در تمامی کشور، از جمله مشهد مقدس، مخالفت هایی با این امر صورت می گیرد. گروهی از علما از جمله حضرت آیه اللّه نهاوندی در ضمن تلگرافی به رئیس الوزرا، شاه را از این امر بر حذر می دارند.(۱)

پاسخ دربار به این تلگراف، مبتنی بر تهدید علما بر این مطلب بوده است که دست از امور سیاسی برداشته و به شرعیات خود مشغول باشند.

علما پاسخ تندتری خطاب به دربار ارسال می کنند که نتیجه آن بازداشت عده ای از روحانیون از جمله آیهاللّه نهاوندی بود و در نهایت مرجع تقلید بزرگ

ص:۱۷

۱- ۳۲. رک: علما و رژیم رضاشاه، ص ۴۴۶.

آن زمان، حضرت آیه اللَّه حاج آقا حسین طباطبایی قمی،(۱) تصمیم به حرکت به سوی تهران و ملاقات حضوری با شاه می گیرد.

حضرت آیه اللَّه حاج آقا حسین طباطبایی قمی در این زمینه به فرزند گرامی خود می فرماید: «حاضرم بروم تهران و به رضا شاه التماس کنم، کشف حجاب نکنند و از اتحاد شکل اجباری مردم منصرف شود. در این راه یا به نتیجه می رسم و یا به زندان می افتم و یا کشته می شوم».

آیه اللَّه آقازاده (فرزند مرحوم آخوند خراسانی) با اصرار از ایشان می خواهد از این سفر دست بردارد، اما ایشان می فرماید: «لحظه سکوت نیست، حتماً باید بروم و هرچه باداباد».

البته حایز اهمیت است که حضرت آیه اللَّه قمی کسی است که از شرکت در مراسم استقبال شاه در مشهد خودداری می کند و چنین کسی با این که مرجعیت دینی مردم را عهده دار است، هنگامی که می بیند مذهب اثنی عشری در معرض خطر است، حاضر به ملاقات با رضاخان و حتی التماس به وی نیز می گردد.

---

۱ - ۳۳. مرحوم حاج آقا حسین طباطبایی قمی از بزرگان علما و مراجع شیعه در قرن اخیر بود که بعد از فوت آیت اللَّه اصفهانی زعامت و مرجعیت شیعیان جهان به این سید بزرگوار منتهی شد مرحوم قمی علم حدیث را از محدث قمی، دروس عرفان و اخلاق را از علامه کشمیری، دروس علمی و مجاهدت را از مجاهد شیرازی و دروس اجتهاد و مراتب استادی را از کرسی درس آخوند خراسانی و علامه یزدی فراگرفت. وی تا مادامی که در قید حیات بود از فجایع و کشتار بی رحمانه مردم مسلمان و مسأله اهانت به روحانیت و کشف حجاب و جریان مسجد گوهرشاد رنج می برد وی در ربیع الاول ۱۳۶۶ ق دار فانی را وداع گفت. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۸۷ - ۳۸۵.

ایشان در تهران باغ سراج در شاه عبدالعظیم علیه السلام وارد می شود و در همان جا به امر رضاخان محبوس می گردد.

این امر باعث می شود که علمای دیگر مشهد به فعالیت افتاده از جمله حضرت آیه اللّه نهاوندی اظهار می دارد که حالا ما باید دخالت کنیم و دیگر نباید کنار نشست.(۱)

همان شب مرحوم شیخ محمدتقی گنابادی معروف به بهلول که روحانی جوان و منبری بسیار قدرتمندی بوده است به مشهد وارد و پس از نماز در مسجد گوهرشاد به امامت مرحوم نهاوندی به منبر رفته و مردم را بر علیه این اقدام رضاخان – حصر آیهاللّه العظمی حاج آقا حسین قمی – تحریک می کند.

همان شب نیروهای شاه با مردم درگیر شده و عده ای حدود ۳۰ نفر به شهادت می رسند. شب بعد مردم به اتفاق علما در مسجد گوهرشاد به عنوان تحصن جمع می شوند.

اسدی نایب التولیه به نام این که از شاه تلگرافی برای علما رسیده است، علمای مهم و طراز اوّل از جمله حاج شیخ علی اکبر را از مسجد خارج و به دار التولیه منتقل می کند و سپس فرمان آتش از طرف پاک روان استاندار و سرهنگ نوایی رئیس شهربانی مشهد صادر می شود و در حمله به مسجد گوهرشاد تعداد کثیری از مردم که بین ۱۵۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر گفته شده به شهادت می رسند که تفصیل آن در کتاب های مربوط به قیام گوهرشاد به ثبت رسیده است.

۱- ۳۴. قیام گوهرشاد، سینا واحد، ص ۱۴۵.

پس از این کشتار وحشیانه کامیونهای شاه وارد حرم شده و کشته ها و زخمی ها را روی هم ریخته و خارج از حرم همه را با هم دفن و زنده به گور می کنند و روی همه خاک می ریزند.

علامه نهاوندی رحمه الله در کلام بزرگان

مرحوم آیت اللّه سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله(۱) ضمن یادآوری این نکته که مرحوم علامه نهاوندی رحمه الله با پدر ایشان آیت اللّه سید شمس الدین محمود حسینی مرعشی نجفی رحمه الله (م ۱۳۳۸) هم دوره و همدرس بوده، از شخصیت علمی وی چنین یاد کرده و تجلیل می کند.

«کان خرّیتاً فی الحدیث و مقدماته من الرجال والدرایه فقیهاً اصولیا متکلماً مفسراً» مرحوم نهاوندی مهارت ویژه در علم حدیث و مقدمات آن مانند علم رجال و علم درایه داشت، وی فقیهی اصولی و متکلمی مفسر بود.

آقای اردو بادی(۲) می فرماید: علامه نهاوندی در اواخر ذی القعده الحرام

ص:۲۰

۱- ۳۵. اسم شریفش سید شهاب الدین و کنیه اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است در صبح روز پنج شنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۸ ق در نجف اشرف متولد شده و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می باشد، وی مقدمات علوم و علم انصاب آل رسول صلی الله علیه وآله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صانع بحرانی و دیگر اساتید فن تلمّذ نموده است. مشایخ اجازه ایشان از ۲۰۰ نفر متجاوز است که شیخ علی اکبر نهاوندی صاحب ترجمه نیز در زمره مشایخ اجازه ایشان قرار دارد. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۵۲ - ۳۷.

۲- ۳۶. میرزا محمد علی اردو بادی غروی در ۱۱ رجب ۱۳۱۲ ق در تبریز متولد شده و در سن ۴ سالگی در خدمت والد معظم خود به نجف اشرف مشرف شده و بعد از مقدمات فنون ادبی در حوزه درس استدلالی والد معظم خود و بعد از رحلت ایشان در مجالس درس آقای شریعت اصفهانی و ... تلمّذ نموده است. ایشان تألیفات زیادی را از خود به یادگار گذاشته است. ر.ک: علمای معاصرین، ص ۳۸۹ - ۳۸۵.

۱۳۱۷ ق بـه حکـم اسـتخاره برای معـالجه از مرضـی کـه بـه مزاج شـریفش عـارض شـده بـود از نجـف به ایران مراجعت و در دارالسـلطنه تبریز رحل اقامت انداخته و پس از آن به عزم صـله ارحام و زیارت عشیره و اقوام به نهاوند رفته و در سال ۱۳۲۸ ق به مشـهد الرضاعلیه السـلام مهاجرت نموده و مشغول هدایت و ارشاد مردم گردید. محاریب به وجود شریفش روشن و منابر به عنصـر لطیفش مزیّن و روزی که سعادت مرا به تقبیل عتبه مقدسه رضویه مساعدت نمود، با جناب معظم در ملاقات و معاشرت بودم و ندیدم او را مگر مثال تقوی و سمت زهد و منبع علم و رمز فهم و دانش و بهاء ایمان و مطابقت قول با فعل.

مشایخ روایی علامه نهاوندی رحمه الله

۱ – میرزا حبیب اللَّه رشتی

۲ – شیخ الشریعه اصفهانی

۳ – سید ابوالقاسم اشکوری

۴ – سید حسین کوه کمری

۵ – سید مرتضی کشمیری

۶ – حاج میرزا حسین نوری

راویان حدیث از علامه نهاوندی رحمه الله

۱ – سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله

۲ – شیخ محمد شریف رازی

۳ – شیخ محمد علی اردو بادی

۴ – سید علی نقی فیض الاسلام

۵ – علی اکبر مروّج الاسلام(۱)

علامه نهاوندی رحمه الله و توجه به ادبیات

حـاج شـیخ علی اکبر نهاونـدی علاقه فراوانی به شـعر و قطعات ادبی و جملات و عبارات موزون اعم از ادبیات عرب و فارسـی داشته، این علاقه از ذکر و نقل اشعار فراوان و کلمات حکمت آموز در کتاب های متعدد ایشان به وضوح مشاهده می شود. او همواره در مقالات خویش سعی در ارائه معانی بلنـد در قالب نثری مسـجّع و موزون داشت و از قلمی شـیوا و روان برخوردار بود، قطعه ای از اشعار ایشان در این مجال ذکر می شود.

خداوندا نه روزه نه نمازی

نه در وقت سحر راز و نیازی

نه چشمی کو بود از خوف گریان

نه قلبی کو بود در جوف بریان

نه دستی کو به راهت زرفشانم

نه پایی کو به درگاهت کشانم

نه حال خشیتی و ابتهالی

نه حال خجلتی و انفعالی

نه حال خواندن قرآن و ذکری

نه در تصمیم و عزمم فکر بکری

---

۱ – ۳۷. آقای حاج شیخ علی اکبر مروّج متخلص به شـفیق صاحب تألیفات کثیره از علما و محدثین بزرگ معاصر خراسان می باشـد. این بزرگوار در ۱۳۱۰ ق در مشـهد متولـد شـده و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویـج احکـام پرداخته و از این رو به مروج الاسـلام مشـهور گردیـده است. وی ضـمن برخورداری از ذوق و قریحه شـعری تألیفـاتی نیز از خود بر جای گذاشـته از جمله: نفائس اللباب در دو جلد، هدیه المحدثین و ...

ویژگی های اخلاقی علامه نهاوندی رحمه الله

یکی از مؤمنین (پـدر آقـای افراسـیابی) می گویـد: زمـانی که در شـهربانی سابق تهران مشـغول خـدمت بودم یک شب هنگام گشت شبانه به شخصی برخورد کردم که پس از کمی صحبت معلوم شد کلیمی مذهب است. ایشان بعد از این که فهمید بنده نهاونـدی هسـتم به تعریف و تمجیـد از اهالی نهاونـد پرداخت و گفت عالم دینی شـما حق بزرگی بر گردن ما کلیمی ها دارد. گفتم چطور؟

گفت: من از کلیمی های مشـهد هسـتم چند سال پیش عدّه ای از متعصبین، ناگاه هنگام برپایی یکی از مراسم مذهبی ما نقشـه برهم زدن مراسم را کشـیده بودنـد، و حتی این حمله در حـال شـکل گیری بود، مـا چـاره ای جز این ندیـدیم که جریـان را به اطلاع شـیخ علی اکبر نهاوندی که نفوذ و محبوبیت فراوانی در بین مردم داشت، برسانیم، ایشان پس از اطلاع سراسـیمه خود را به محل رساند و پس از دعوت همگان به آرامش سـخنرانی غرّایی درباره مقام حضـرت موسـی علیه السـلام و نحوه برخورد با اقلیت هـا و این که یهودیـان این مراسم را به اسـتناد کـدام یـک از آیات تورات به جای می آورنـد، ایراد نمود، کلیمیان چنان تحت تأثیر کلمات و وسـعت اطلاعات او قرار گرفتنـد که اشک از دیـدگانشان جاری شـد. برخی از آنان گفتند: گوئیا موسـی علیه السلام زنده گشته و احکام مان را به ما تعلیم می دهد.

اجتناب از امور شبهه ناک

به گفته بعضـی از مؤمنین، آیت اللّه نهاونـدی از خوردن میوه باغات یکی از مناطق نهاوند خودداری می کرد. وقتی علت را از ایشان جویا شدند، فرمود: در

آن منطقه آب باغات نوبتی نیست و هر کس زور بیشتری داشته باشد صاحب آب است، لذا بسیاری از اوقات در رساندن آب به باغ حقوق دیگران را پایمال می کنند و من برخود جایز نمی دانم که از چنین میوه ای بخورم.

سخت کوشی در راه علم

علامه نهاوندی رحمه الله می نویسد: خواجه عبداللّٰه انصاری در «نفحات الانس» می گوید: «من سیصد هزار حدیث یاد دارم با هزار هزار اسناد. آنچه من در طلب حدیث حضرت محمدصلی الله علیه وآله کشیدم هرگز احدی نکشیده، یک منزل از نیشابور تا دیزباد باران می آمد و من برای آن که جزوه های حدیث خیس نشود در حال رکوع می رفتم و آن ها را در زیر شکم نهاده بودم. شب در نور چراغ حدیث مینوشتم و فراغت نان خوردن را نداشتم، مادرم نان پاره و لقمه می کرد و در دهان من می نهاد.

نظیر حالت خواجه از برای خود حقیر نیز اتفاق افتاد در سال ۱۳۱۸ ق که از نجف اشرف بیرون آمده و به جانب بلاد عجم می آمدم، آب طغیان نمود و سد کاظمین و بغداد را خراب نمود و از حدود بغداد تا حدود سرای خاکستری را آب گرفته بود. قفه در میان آب انداخته و زوار و عابرین را عبور می دادند. حقیر در میان قفه به پا ایستاده و مؤلفات فقه و اصول خود را در ساروقی بسته و بالای سر خود نگاه داشته بودم که اگر فرضاً غرق شدم اوّل خودم غرق شوم بعد از آن نوبت به آن مؤلفات برسد و تا به حال که این مقام را تحریر می نمایم و مقارن ظهر روز یکشنبه ۱۳۴۱ ق است اگر مدّعی شوم که در منزل خود از بدو تحصیل

تا حال غذایی با فراغت بال صرف ننموده به جهت اشتغال به مطالعه کتب و نوشته ها، همانا ادعایی قریب به صدق نموده ام.

حکایاتی از حاج شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله

۱ - آیت اللَّه محسنی ملایری رحمه الله در مصاحبه ای راجع به آیت اللَّه العظمی بروجردی رحمه الله چنین می گوید:

در سفر دومی که آقای بروجردی به مشهد مقدس مشرّف شدند مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله که امامت مسجد گوهرشاد را به عهده داشت از ایشان خواستند که به جای وی نماز جماعت را قبول کنند، ایشان هم بعد از تأمّلاتی پذیرفتند و ماه رمضان را به جای آقای نهاوندی نماز خواندند. بعداً مرحوم نهاوندی(ره) برای من نقل کردند: چشمم آب آورده بود لذا برای عمل به تهران رفتم دکترها نوبت طولانی دادند، دیدم هنوز فرصتی هست به عتبات مقدسه رفتم در نجف اشرف مرحوم آیت اللَّه العظمی سید ابوالحسن اصفهانی از من خواستند که در مکان ایشان نماز بخوانم، بعد از نماز مغرب در نافله دوم صدایی را شنیدم که فرمود: «عَظَّمْتَ وَلَدی فَعَظَّمْتُکَ» فرزندم را بزرگ داشتی پس تو را بزرگ داشتم؛ این قضیه را من (آیه اللَّه محسنی ملایری) از حاج شیخ علی اکبر شنیدم و خدمت آیه اللَّه بروجردی نقل کردم، اشک از چشمان ایشان سرازیر شد.(۱)

این داستان را بنده خودم از حضرت حجّت الاسلام و المسلمین حاج شیخ

۱- ۳۸. ستارگان نهاوند، ص ۶۶؛ مجله حوزه، ص ۴۴ - ۴۳، خرداد ۱۳۸۰؛ گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۷۳.

حسن صـافی گلپایگـانی، آقـازاده آیت اللّٰه العظمی صافی گلپایگانی که از قول پـدر گرامیشان نقل فرمودنـد: که خود مرحوم نهاوندی این موضوع را برای ایشان نقل فرموده اند.

۲ – داستان فرو ریختن دیوار مدرسه علمیه نهاوند

سـالی کـه آیت اللّٰه نهاونـدی از نجـف اشـرف به ایران بـازگشت، پس از چنـدی جهت به جـای آوردن صـله رحم و دیـدار با مؤمنین شـهر و ارشاد آنان، به نهاوند تشـریف آوردند. با ورود ایشان طبق معمول جلسات موعظه ایشان سر و صدایی به پا کرد و مؤمنین دسـته دسـته خود را به جلسات ایشان می رساندند. روزی پس از جلسه تصمیم بر این شد که کسانی که تمایل دارند به اتفاق ایشان به زیارت مرقد شریف مرحوم میرزا آقا رحمه الله بروند ایشان پیشاپیش جمعیت حرکت می کنند.

وقتی که در «راسته میرزا آقا» به مدرسه علمیه می رسند، ایشان توقف می کنند و می گویند این مدرسه به گردن ما حق دارد و سپس راه را کج کرده و از کوچه «آقا نور» به مسـیر ادامه می دهند. برخی اظهار می کنند آقا از این مسیر راه طولانی می شود. ایشان جوابی نمی دهد ولی چیزی نمی گذرد که دیوار مدرسه که ارتفاع بلندی داشت با صدای مهیبی فرو می ریزد و مردم از این حادثه وحشتناک جان سالم به در می برند.(۱)

۱– ۳۹. ستارگان نهاوند، ص ۶۵.

۳ – داستان زلزله مشهد و فروریختن دیوارها و سقف یکی از شبستان های مسجد گوهرشاد.

روزی حاج شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله با جماعت بسیاری در یکی از شبستان های مسجد گوهرشاد مشغول اقامه نماز جماعت بود، بعد از اتمام نماز ظهر شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله مکان نماز را تغییر می دهد و به شبستان دیگری می رود و جماعت نمازگزار هم به دنبال ایشان به شبستان دیگر می روند. بعد از لحظاتی در کمال ناباوری شبستان قبلی به واسطه زلزله فرو می ریزد و همه مردم نمازگزار را در بهت و حیرت فرو می برد و از آن به بعد این شبستان به شبستان نهاوندی معروف می گردد.(۱)

در این جا نیکوست تا برای آشنایی بیشتر با مقام معنوی آن بزرگوار، گزارش مختصری را که ایشان در ضمن رساله «الید البیضاء فی نکت اخبار مناقب الزهراء صلوات اللّه علیها» از سفر حج خود آورده، نقل کنیم:

اتمامٌ لطالب طریق التّوسّل کالمعرّف فی انعام لفاطمه و عنایتها بالمؤلّف:

بدان که این ناچیز، در این مقام عزیز که ذکر توسّل به صدیقه کبری و بیان تشبّث به ذیل عنایت آن مخدره عظمی شد، خوش دارم که یکی از موارد توسّل خود را به آن ملیکه انبیا بنگارم، و برادران ایمانی را از اثر آنی دیدنم از این توسّل مستحضر دارم و آن این است که:

در اوقات تشرّفم به سدّه سنّیه علویّه مرتضویّه – علی مشرّفها الف الف

۱- ۴۰. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۲۹۷.

سلام و تحیّه - در شب های تار و اوقات اسحار، چه در هنگام تشرف به حرم مطهر، و چه در بالای پشت بامهای منازل مستاجره ای که در آن بلد منوّر داشتم، استغاثه ای به حلّال مشکلات نموده و از جنابش مسألت می نمودم که در نزد باری تعالی شفاعت فرموده که اسباب تشرّف به بیت اللّه و زیارت قبر حضرت حبیب اللّه و زیارت قبور ائمّه بقیع را از جهت این روسیاه فراهم آورده، بدون این که از مخلوقی مثل خود نائب در این عمل باشم، چه نیابت را طبعاً کاره و به توصیه ای از والد مرحوم طارح بودم، و قلّت ذات الیدهم، مانع از تشرّف به نحو استعانت بود؛ تا آن که از آن مکان شریف هجرت نموده، و دو سه سالی بر حسب تقدیر، در بلده نهاوند - که مسقط الرّأس داعی است - توقف نموده، و قریب به پنج سال هم، در دارالخلافه تهران متوقّف، و مقیم آن سامان بودم. و در خلال این اوقات، دو مرتبه حَجّ نیابتی از زید و عمرو، با وجهی که به حسب المرسوم و المتعارف، زیاده از اجرت این عمل بود، به قریب ضعف میسّر شد. و این حقیر اقدام ننمودم، تا آن که منتقل به مشهد مقدس رضویّه - علی مشرّفه الف الف سلام و تحیّه - شدم. و قریب چهار سال از مجاورتم در آن زمین جنّت قرین گذشت. و چون از تاریخی که از نجف اشرف منتقل به بلاد عجم شده ام، همه ساله یک اربعین را صعود به منبر، از برای موعظه نفس سرکش خود و تذکّر برادران ایمانی می نمودم، تا چند سال قبل از نوشتن این مقام؛ و چند سال است که به واسطه عارضه مزاجی، این توفیق از داعی سلب گردیده، و آن اربعین عبارت از ماه صیام و دهه اوّل محرّم الحرام هر عام بود.

ص:۲۸

پس در سال هزار و سیصد و سی و یک، در ماه رمضان، حسب المرسوم به منبر صعود نموده، و در لیالی قدر - به واسطه ازدحام جمعیت در مسجدِ جامع معروف به مسجد گوهرشاد - وظایف لیالی قدر را در صحن جدید - که از بناهای خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار است - به جای می آوردیم. و در شب بیست و سوّم - که در نزد طایفه شیعه، لیله قدر بودنش، ارجح و اثبت است - بعد از ادای وظایف آن لیله از نماز و غیره، به منبر صعود نموده، و بالمناسبه سوره قدر را عنوان کرده.

و چون در اخبار آن عصمت علیهم السلام لیله القدر، تأویل به وجود مقدّس فاطمیّه شده است، پس در مقام ذکر مصیبت در خاتمه بیان منبریّه، ذکری از مصایب آن مخدّره گردیده، و منبر به اسم سامی و نامی گرامیِ آن ملیکه انبیا اتمام یافت.

و در مقام دعا، از جمله چیزهایی که در آن حال بر قلبم القا شد که از برای حصول آن دعا نمایم، زیارت عتبات عالیات بود، پس از برای انجام این مقصود دعا نموده، و مؤمنین آمّین گفتند. و در این دعا، توسّل تامّه را به حضرت بی بی قرار داده؛ پس جالسین مجلس از برای تناول سحور متفرّق شده، به منازل خود رفتند. و تقریباً مدت ده ماه از آن تاریخ گذشت. و در خلال آن مدّت، استجابت بعضی از دعوات آن لیله نمایان شد ولیکن از دعا تشرّف به عتبات عالیات اثری هویدا نشد؛ تا آن که در روز مبعث سال هزار و سیصد و سی و دو - تقریباً دو ساعت از روز گذشته - سیّد جلیلی که از اخیار و از جمله کسبه بازار،

و شغل او علاقه بندی بود در منزل داعی آمد، و اظهار داشت که شما را یاد می آید که در سحر شب بیست و سیّم از ماه رمضان سال گذشته در منبر - متوسّلاً بالصّدیّقه الطّاهره - از برای تشرّف به زیارت عتبات عالیات دعا نمودید؟

داعی عرض کردم: بلی نظرم می آید، ولیکن تاکنون اثری از استجابت آن دعا ظاهر نشده است.

آن سیّد جلیل فرمودند: آن دعا در همان وقت به هدف اجابت مقرون شد. نهایت آن که: الامور مرهونه باوقاتها. و وقت فعلیّت آن، این اوقات است.

پس فرمودند که: من در روز بیست و دوّم آن ماه، که شبش در میان جالسین مجلس شما بودم، با تاجر معروف حاج یوسف وهّاب اوف اردبیلی، در معامله نخ فرنگی که تقریباً ده دوازده هزار تومان وجه آن می شد، مقاوله می نمودم، و معامله ما سر نگرفت. پس در آن شب که شما آن دعا را نمودید، عهد کردم که اگر این معامله ما انجام پذیر شود، و ششصد تومان ربح نماید، من در خدمت بوده با شما مشرّف به بیت اللّه الحرام گردیدم، و شما در این حجّ نایب از جده ام صدّیقه طاهره باشید. و اگر سیصد تومان ربح کرد، فقط شما نائباً عن الصدّیقه مشرف شوید، چه من در چند سال قبل، عَن استطاعه به حج مشرّف شده، و حجّ واجب خود را به جای آورده ام. و اگر این مرتبه در خدمت شما موفق به حجّ گردم، حجّ مستحبّی است. و اکنون آن معامله انجام گرفته و نخها را از ایشان ابتیاع نمودم و فروختم، و خداوند ششصد تومان ربح مرحمت فرمود.

ص:۳۰

و این وجه، به این ترتیب که ذکر شد، مصرف سفر مکّه معظّمه است. آیا شما حاضر هستید از برای نیابت از جده ام، رفتن به حجّ را؟

داعی عرض کردم: البتّه حاضرم. و این نیابتی است که از صد هزاران اصالت، اشرف است.

مختصراً آن که تهیّه سفر را آماده کرده، و روز غرّه ماه رمضان المبارک سی و دو(۱) از مشهد مقدس به عزم نیابت آن ملیکه دو سرا در حج بیت اللّه با آن سیّد جلیل، با یک نفر دیگر از سادات انجاب بیرون آمدیم. و وجه مصروف را در مشهد مقدّس، به تاجری که ظاهراً خود حاج یوسف مزبور بود، آن سیّد جلیل داده، و برات بادکوبه گرفت. و روز هفتم رمضان وارد بادکوبه شدیم، و غافل از این بودیم که دُوَل کفریّه با یکدیگر، و دولت انگریز با دولت اسلامیّه عثمانیّه اعلان محاربه ای داده، و جنگ بین الدّول و الملل شروع شده، و به این واسطه تمام وسایل و مراکب سیر و حرکت - از جهاز و شمندفر و غیرها - از بردن مسافر به حجّ ممنوع، و ممحّض از برای سوق عساکر در حال محاربه اند. و از جمله آن دُوَل هم، دولت روسیّه است، و سیر مسافر در آن بلاد ممنوع است.

پس از ورود به بادکوبه، آن تاجری که وجه برات ما را باید تأدیه نماید، خبردار شده به دیدن آمد. و لَدَی الورود، زبان را به نکوهش و توبیخ ما گشود و عباراتی ناهنجار گفت.

داعی گفتم: چه شده است که شما این نحوه از عبارات را می گویید؟

۱- ۴۱. مراد، سال یک هزار و سیصد و سی و دو هجری قمری است.

در جواب گفت: مگر شما در مشهد مقدس نشنیده اید که جنگ بین الملل شروع شده، و مسافر بردن ممنوع است؟

داعی عرض کردم: ما به هیچ وجه در مشهد مقدّس، و در بین راه تا این جا که وارد شده ایم، این مطلب را از کسی نشنیده ایم، والحال آن را از شما می شنویم. و اگر در مشهد مقدس یا در بین راه این مطلب را شنیده بودیم، تا بادکوبه نمی آمدیم.

پس آن تاجر گفت: چاره ای جز معاودت به مشهد مقدس ندارید، چه قریب به دو هزار نفر دیگر از ایرانی ها، که به عزم تشرف به بیت اللّه در این جا آمده اند، چند روز است که روزی سه چهار مرتبه به ماشین خانه رفته، و گاهی به داد و فریاد، و گاهی به الحاح و فروتنی، مسئلت بلیط ماشین می کنند، که به اُدَسا و اسلامبول بروند. و احدی به گفته آن ها اعتنا نمی کند. و حال شما هم، مثل آن ها است، و چاره ای به غیر از معاودت نیست.

و بالجمله، هفت روز در بادکوبه معطّل شده، و سه نفر رفیق داعی - که دو تای آن ها، همان دو سیّد جلیل بودند، که با داعی از مشهد مقدس بیرون آمده بودند. و یک نفر دیگر، میرزا ابوالقاسم نامی بود که در دو منزلی مشهد با ما ملاقات نموده، و عازم به رفتن مکّاره از برای تجارت دنیویّه بود. و اظهار داشت که چند سال است که عزم تشرّف به حجّ را دارم، ولیکن موفق نمی شوم، تا این که شما را دیده در قلبم گذشت که با شما در این سفر همراه باشم، امّا چه کنم که عازم مکّاره ام؟

ص:۳۲

داعی گفتم: الف و راء مکّاره را که اسقاط کنی، مکّه می شود. و تجارت هم اعمّ است از تجارت دنیویّه و اخرویّه. امساله را، تجارت را تجارت اخرویّه قرار دهید.

پس با ما همراه شد، و به واسطه کثرت آمد و شدش در مملکت روسیه به جهت تجارت، مسلّط بر فهم و تکلّم به لغت روس بود. در این چند روزه، روزی چندین مرتبه از منزل بیرون آمده، و از وسایط امور شمندفر تفتیش کامل می کردند که شاید طریقی از برای حرکت نمودن ما میسّر شود.

تا آن عصر روز هفتم از ورود، عزم را بر معاودت به مشهد مقدس جزم کرده و رفقا از برای تهیّه وسایل معاودت بیرون رفتند و داعی، تنها، با دل شکسته و حال پریشان در منزل ماندم. و در این حال تنهایی متذکّر شدم که چرا نباید متوسّل به صدّیقه کبری علیها السلام – که منوب عنهای من است – بشوم؟

پس اشکم جاری شد و عرض کردم: ای خاتون دو سرا، خود شما می دانید که دو مرتبه اسباب حجّ بیت اللّه به نیابت از زید و عمرو، از برای داعی به احسن وجه و اکمل اجرت میسّر شد، و داعی قبول ننمودم. و به این وجه قلیل محض نایب بودنم در این عمل، از آن سلاله خلیل راضی شدم، در حالتی که آقایان حجج اسلامیّه مشهد مقدس مثل مرحوم حجه الاسلام آقای حاج سیّد علی سیستانی – اعلی اللّه مقامه – و مثل مرحوم ثقه الاسلام حاج سیّد علی شوشتری و مثل مرحوم ثقه الاسلام آقا شیخ حسن کاظمینی – نوراللّه مرقدهما – که همگی در آن تاریخ در قید حیات بودند، و با داعی محبّت و صداقت کامله

داشتند، داعی را از تقبّل این امر ممانعت فرمودند که اوّلاً این وجه، مکفی این سفر از برای شما نیست، و ثانیاً همین وجه را خودتان اخذ کنید، و به دست آن آقا نگذارید، زیرا که حرف نوع مردم را اعتباری نیست.

چه آن که داعی وجه سیصد تومان را از آن سیّد جلیل نگرفتم. و به ایشان عرض کردم که این وجه از جدّه شما است، و من مهمان آن مخدّره ام، و شما وکیل خرجید، از جانب ایشان. معادل آن چه را که برای خودت در این مسافرت از گراوات و مخارج اکل و شرب مصرف می کنید، از برای داعی هم مصرف نمایید. و وقتی که وجه تمام شد، بگو من از وکیل خرجی جده ام خارج شدم، در آن وقت من می دانم و صاحب کارم.

و بالجمله عرض کردم: بی بی، داعی با این خصوصیّات، به اسم نیابت از حضرتت در حجّ بیت اللّٰه، از مشهد مقدس بیرون آمده ام. شما بر خود مپسند که داعی خائباً از این جا معاودت به مشهد مقدّس کنم. عَلِمَ اللّٰه، چند دقیقه بعد از این عرایض به سدّه سنیّه آن مخدّره بیش طولی نکشید که آن تاجری که طرف برات ما بود و ما را در روز اوّل ورود به بادکوبه چقدر مذمّت و نکوهش کرد در جلو، و سه نفر رفیق داعی از عقب او وارد شدند. ولدی الورود، آن تاجر از عوض سلام و تحیّت گفت: آقا، البشاره.

داعی در جوابش گفتم: بشرّك اللّٰه بالجنّه، چه بشارت داری؟ آیا غدقن از نبردن مسافرین برداشته شده است؟

گفت: نه، ولکن مادام و خانمی که رئیس ماشین خانه و شمندفر بود – چنان

که رسم طایفه روسیه است، بلکه رسم تمام ملّت نصاری است که زنان را مثل مردان دخالت در امور مهمّه دولتی و تجارتی می دهند – معزول شد، و خانم دیگری که با من آشنا و طرف حساب است، به ریاست شمندفر منصوب گردیده. و اگر شما مایل باشید که در شمندفر، با سالدات ها همنشین باشید، من می توانم که از برای شما تحصیل بلیط شمندفر بنمایم.

داعی عرض کردم: البتّه تحصیل کنید.

پس، فردای آن روز که روز هشتم ورود ما به بادکوبه بود، قبل از ظهر چهار بلیط شمندفر آورده، به ما داد، و گفت: مهیّا باشید که عصر شمندفر حرکت می کند به جانب اودسا. من حمّال آورده شما را با اسباب و لوازم تان، به ماشین خانه برده و به ماشین نشانیده تا بروید.

و گفت: همین قدر که ماشین از برای سیر به حرکت افتاد، دیگر کسی را قدرت نیست که متعرّض شما بشود.

پس در وقت عصر با حمّال آمده، و ما را حرکت داده و به ماشین خانه برد. و ما را با اسباب های ما در یکی از خان های ماشین جای داده، و ما را در عقب اسباب ها نشانیده که به مرائی و منظر نباشیم.

و در آن وقت، قریب دو هزار نفر از ایرانی ها که عزم بیت اللّه داشتند و در بادکوبه آمده بودند، در جلوی ماشین خانه حاضر بودند، و تماماً با چشم گریان و حال پریشان تقاضای بلیط ماشین می کردند، و احدی به آن ها اعتنا نمی کرد.

خدا می داند که در آن وقت بر داعی چه گذشت. و نمونه ملکی را که نیمی از

آن از برف و نیمی دیگر از آتش است - چنان که در اخبار وارد شده - در خود دیدم که به یک چشم خندان، از این موهبتی که حضرت بی بی درباره ما فرمود از تسبّب اسباب حرکت؛ و به یک چشم گریان، از دیدن حال برادران ایمانی ایرانی خود.

پس ماشین به حرکت آمده، و ما از بادکوبه بیرون آمدیم، به جانب اودسا و اسلامبول. و این نبود مگر از توسّل به ذیل عنایت حضرت صدّیقه علیها السلام.

و چقدر از مواهب و عنایات که در آن سفر میمنت اثر، از پرتو توجه آن خاتون دنیا و آخرت، شامل حال این کلبِ آستان شان گردید، که اگر نوشته شود کتابی حجیم و دفتری عظیم گردند.

از جمله، آن که اغلب حجّاج، یک مرتبه در سفر حجّ شان به مدینه منوّره مشرف می شوند، و آن هم چند روزی که غالباً به عشره نمی رسد. و این روسیاه را - از عنایات آن مخدّره - در یک سفر، دو مرتبه توفیق تشرّف به مدینه منوّره حاصل گردید: یک مرتبه قبل الحج که چهارده روز مشرّف بودم. و دفعه ثانیه بعد الحج که روز هشتم ماه محرّم الحرام هزار و سیصد و سی و سه وارد مدینه شده، و تا شانزدهم محرّم مشرف بودم. و بعد از آن به شمندفر که دولت عثمانیّه میان مدینه و شام احداث کرده بودند، نشسته و به شام آمدم.

و از جمله آن که توفیق درک میقات طایف - که قرن المنازل است - مرزوق گردید، چه قبل از حجّ، از بادکوبه به اسلامبول، و از آن جا به بیروت، و از آن جا به شام، و از آن جا به مدینه طیّبه مشرف شده، از راه شمندفر. و از آن راه که

رفته، معاودت به شام نموده، و به بیروت و اسکندریّه و سوئیس رفته، و از سوئیس به جده رفتیم. و قهراً احرام از این طریق، محاذات میقات است، نه از خود میقات. و بسیار مایل بودم که درک یکی از مواقیت را نموده باشم، تا آن که مِنْ حَیثُ لااَحتَسِب، درک میقات طایف - که قرن المنازل است - مرزوق گردید.

و از جمله، آن که چون اوّل محاربه بین الدّول بود که ما در بادکوبه وارد شدیم؛ و هنوز غالبیّت و مغلوبیّت دولتی معلوم نبود، پس پول های هر دولت از نقود و کاغذ، به همان قیمت خود باقی بود. و وجه سیصد تومان داعی را مثل سایر وجوه همراهان منات کاغذ دادند، که هر صد مناتی آن در آن وقت شصت و دو تومان ایرانی قیمت داشت. و چون به اسلامبول رسیدیم و مغلوبیّت دولت روسیه مشهود و مشهور گردید، پول های رواج مملکتش تنزّل نموده، و بعضی از صد مناتی ها را در اسلامبول به بیست و پنج تومان ایرانی دادیم. و چون در شام رسیدیم، صد مناتی به پانزده تومان رسیده بود.

و بالجمله این وجه سیصد تومان، همین قدر شد که داعی را بعد از حجّ به مدینه طیّبه رساند. و مع ذالک، چهارصد تومان دیگر علاوه بر آن سیصد تومان مخسوره مصرف داعی شد، تا ورود به مشهد که روز هیجدهم ماه شعبان هزار و سیصد و سی و سه بود. و مع ذالک در حین ورود به مشهد مقدس، تمام قروض داعی تأدیه شده، و مقداری هم مصرف سوغات نموده، من حیث لا احتسب.

و از جمله آن که نوع حاجیان در آن سال، از تشرّف به عتبات عالیات محروم

شدنـد؛ چه از طریق بحر و از ساحل جـدّه مراجعت نمودنـد به خیال این که به بصـره، و از آن جا به بغـداد رفته، مشـرّف به آن اعتاب مقدّسه گردند. و چون میانه دولت انگریز و عثمانی، در بین بصـره و بغداد محاربه بود، پس راهی به تشرّف پیدا نکرده، و جمعی از بوشهر و جمعی از بصره و جمعی از بندر ناصری به عجم معاودت نمودند.

و داعی - بحمـداللّه و المنّه - چون از راه بین الحرمین معـاودت نمودم، و به شام رفتم، پس از آن جا به حلب و از حلب به دَیْر و از دَیْر به شختور نشسته، و در شطّ فرات سیر نموده، تا وارد مسیّب شده و از آن جا از نهر حسینی وارد کربلای معلّی شدم. و چون ورودم مصادف با وقت زمسـتان بود، تقریباً چهار ماه در آن اعتاب مقـدّسه مشـرّف بودم. و بعـد از عید نوروز، حرکت به سمت عجم نمودم.

و نبود تمامت این ها، مگر از اثر توسّلم به حضرت صدّیقه کبری صلوات اللّه علیها.

و از آن تاریـخ تـاکنون - که یوم هیجـدهم از مـاه رجب الا ـصبّ سـال هزار و سـیصد و چهل و هشت هجری است، و مشـغول کتابت این مقام هستم - هر وقت که در ورطه ای و بلیّه ای مبتلا شده ام، متوسّل به آن خاتون دنیا و آخرت شده، و ایشان را به آن انظـار عنایتانه ای که در آن سـفر درباره این روسیاه داشـته، قسم داده ام. و فی الفور، از آن ورطه و بلیّه، از برایم خلاصـی حاصل شده است. و امید است که از ورطه های برزخ و قیامت هم، داعی را نجات دهد.

تألیفات علامه نهاونـدی رحمه الله آیت اللّه نهاوندی رحمه الله از سال ۱۳۲۸ ق تا ۱۳۶۹ ق متجاوز از ۴۰ سال در ارض اقدس خراسان به ترویج مکتب تربیت فضـلا و تدریس و تألیفاتی سودمند اشـتغال داشت این عالم کامل فقیهی پرهیزکار و دانشمندی فروتن بود که بسیاری از سال های عمر شریفش را در تألیف و تصنیف کتب دینی و علمی متعدد سپری کرده که به تفصیل بیان می گردد.

۱ - البنیان الرفیع (اخلاق ربیعی)

این کتاب در قطع وزیری و در یک مجلّد به صورت چاپ سنگی در ۳۲۴ صفحه به چاپ رسیده است. تاریخ شروع نگارش این کتاب سال ۱۳۳۷ ق و تاریخ اتمام آن سال ۱۳۴۱ ق است. این کتاب در شرح احوال ربیع بن خیثم معروف به خواجه ربیعه است و متشکل از یک مقدمه و هشت باب و یک خاتمه است.

۲ - جنه العالیه و جعبه الغالیه

نگارش این کتاب در سه جزء و در سال ۱۳۴۱ ق به اتمام رسیده و هر سه جزء در یک مجلّد در قطع رحلی و چاپ سنگی به چاپ رسیده است. این کتاب کشکولی است که مطالب مختلف در آن شماره گذاری شده و هر جزء آن مشتمل بر ۳۳۳ مطلب از مطالب مختلف می باشد.

۳ - جنتانِ مدهامتان

این کتاب در قطع رحلی و در دو جزء به صورت چاپ سنگی به چاپ رسیده است

ص:۳۹

جزء اوّل «الجنه الاولی» ۲۰۹ صفحه و جزء دوم «الجنه الثانیه» ۲۰۶ صفحه است جزء اوّل مشتمل بر ۵۰۴ جوهره و جزء دوم مشتمل بر ۱۵۴۱ جوهره است. هر جوهره از این کتاب در مورد مسائل مختلفی از عقاید، عرفان و اخلاق و ... است.

۴ – راحه الروح یا کشتی نجات

این کتاب شرحی است بر حدیث شریف نبوی که در کتب شیعی و اهل سنت ذکر شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق». این کتاب به قطع وزیری در ۵۱۲ صفحه توسط کتاب فروشی جعفری در مشهد به چاپ رسید. نگارش این کتاب در ۱۳۴۱ ق به پایان رسیده است.

۵ – خزینه الجواهر فی زینه المنابر

این کتاب در سه بخش اصول دین، فروع دین و اخلاق نگارش یافته و در هر بخش آیات، روایات، مواعظ و حکایات مربوط به آن بخش به ترتیب آورده شده است. همچنین این کتاب مشتمل بر شرح و تفسیر چهل آیه و هفتاد و هفت روایت و هشتاد موعظه و دویست حکایت است. نگارش این کتاب در سال ۱۳۳۶ ق به پایان رسیده و به قطع وزیری و در ۷۲۲ صفحه توسط انتشارات کتاب فروشی اسلامیه به زیور طبع آراسته گردیده است.

۶ – گلزار اکبری و لاله زار منبری

این کتاب در ۱۱۴ فصل به عدد سوره های قرآن کریم تنظیم شده و هر فصل

ص:۴۰

آن به نام «گلشن» نامگذاری گردیده است در واقع این کتاب کشکولی است از مطالب مختلف با این تفاوت که مطالب آن بر اساس موضوع هر گلشن و فصل دسته بندی و مطالب هم سنخ در یک گلشن و پشت سر هم آورده شده است. این کتاب در سال ۱۳۴۴ ق نوشته شده و در ۶۶۷ صفحه در چاپخانه حاج محمد علمی در قطع وزیری چاپ شده است.

۷ - انوار المواهب

موضوع این کتاب مناقب و فضائل ائمه معصومین علیهم السلام است که در قطع رحلی و در یک مجلّد به چاپ سنگی رسیده است. شروع تألیف این کتاب ۱۳۳۴ ق و تاریخ اتمام آن ۱۳۴۰ ق بود و مجموع صفحات آن ۵۶۹ صفحه می باشد.

۸ - العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان - عجل اللّٰه تعالی فرجه

بنا به گفته مؤلف این کتاب به منزله جلد دوم کتاب انوار المواهب است که در شرح احوال حضرت ولی عصرعلیه السلام بوده و در پنج قسمت به عنوان بساط نگارش یافته است. این کتاب وزین در قطع وزیری در نه جلد و در انتشارات مسجد مقدّس جمکران تحقیق، ویرایش و به چاپ رسیده است.

۹ - جواهر الکلمات (جواهر الزواهر فی شوارد النوادر)

این کتاب در قطع رحلی و در دو جزء به صورت چاپ سنگی به چاپ رسیده است.

ص:۴۱

۱۰ – وسیله النجات و عناوین الجمعات فی شرح دعاء السّمات

پایان نگارش کتاب سال ۱۳۳۱ ق بوده و در ۳۲۰ صفحه وزیری توسط انتشارات نهاوندی به چاپ رسیده است.

۱۱ – انهار النوائب فی اسرار المصائب

۱۲ – حاشیه فرائد الاصول علی المبحث البراءه

۱۳ – رساله الحقیقه والمجاز

۱۴ – وسائل العبید الی مراحل التوحید

۱۵ – رشحه الندی فی مسأله البداء

۱۶ – صلاه المسافر (تقریر درس شیخ محمد طه نجف)

۱۷ – طور سینا در شرح حدیث کساء

۱۸ – الفتح المبین فی ترجمه الشیخ علی الحزین

۱۹ – الفوائد الکوفیه فی ردّ الصوفیه

۲۰ – کشف التغطیه عن وجوه التسمیه

۲۱ – لمعات الانوار فی حل مشکلات الایات والاخبار

۲۲ – مفرج القلوب و مفرج الکروب

۲۳ – المواریث (تقریر درس سید محمد کاظم طباطبایی یزدی)

۲۴ – النفخات العنبریه فی البیانات المنبریه

۲۵ – الید البیضاء فی مناقب الامیر و الزهرا

۲۶ – الیاقوت الاحمر فی من رأی الحجه المنتظر

ص:۴۲

۲۷ - سبع المثانی در مناقب حسن اوّل تا حسن ثانی

۲۸ - العسل المصفی فی نکت اخبار مناقب المصطفی صلی الله علیه وآله

۲۹ - الکوکب الدری فی نکت اخبار مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام(۱)

صاحب الذریعه علاوه بر آثار مذکور دو کتاب دیگر را در زمره تألیفات علامه نهاوندی رحمه الله ذکر کرده است.

وفات علامه نهاوندی رحمه الله

شیخ بزرگوار ما در ۱۹ ربیع الثانی سال ۱۳۶۹ ق / ۱۳۲۹ ش در ۹۰ سالگی در مشهد درگذشت روز درگذشت ایشان هوا بسیار سرد بود و برف سنگینی باریده بود و غسّال خانه مشهد در خیابان ۱۷ شهریور در محل کنونی پارک وحدت قرار داشت و مردم با سختی طاقت فرسایی در مراسم کفن و دفن ایشان شرکت جستند و همین امر سبب شد که مرحوم آیت اللّٰه فقیه سبزواری با توجه با مساعدت هایی که مرحوم نهاوندی در زمان حیات خود کرده بود، غسّال خانه اوّل طبرسی را بنا نماید.

جسد پاک علامه نهاوندی در رواق دارالسعاده در پایین پای هشتمین امام پاکان و در کنار قبر شیخ مرتضی آشتیانی دفن گردید و روح بلندش به عالم بالا عروج کرد.(۲)

ص:۴۳

---

۱ - ۴۲. نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۶۰۰؛ مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال، ص ۳۴۲؛ معجم رجال الفکر والادب، ج ۳، ص ۱۳۱۴ - ۱۳۱۳؛ مکارم الاثار، ج ۶، ص ۲۲۰۸؛ مع کبار علماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۳۰۷ - ۳۰۶؛ ریحانه الادب، ج ۶، ص ۲۶۹؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۳۹۲؛ علمای معاصرین، ص ۲۲۰؛ معجم مؤلفی الشیعه، ص ۴۲۳ - ۴۲۲.

۲ - ۴۳. مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ص ۳۴۶.

مرحوم مروّج در تاریخ درگذشت ایشان این بیت را سروده است:

آمد اندوه و سر افکند و پی تاریخ گفت:

شد نهاوندی مقیم اندر در سلطان طوس

که جمع حروف مصراع دوم در حساب ابجد ۱۳۶۹ یعنی سال درگذشت ایشان به سال قمری است.

کتابخانه علامه نهاوندی رحمه الله

حاج شیخ علی اکبر نهاوندی ضمن دارا بودن تألیفات زیاد از کتابخانه بسیار غنی نیز برخوردار بوده است.

آقابزرگ تهرانی صاحب الذریعه به گوشه ای از نسخی که در کتابخانه وی موجود بوده است اشاره کرده. آن چه در پی می آید فهرستی مختصر از بخشی از کتابخانه بزرگ ایشان است:

آثار علوی؛ مؤلف: محمد بن مسعود مسعودی؛ رساله ای مختصر در بیان آثار علوی شامل مقدمه و چهار فصل و سیزده باب.(۱)

البراهین الجلیه فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریه؛ مؤلف: مولا محمد کاظم بن مولا محمد شفیع هزار جریبی حائری متوفی بعد از ۱۲۳۲ ق و قبل از ۱۲۳۸ ق.(۲)

تحفه الاخیار؛ مؤلف: مولی محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی نجفی

۱- ۴۴. الذریعه، ج ۱، ص ۹.

۲- ۴۵. الذریعه، ج ۳، ص ۸۰.

قمی، مشتمل بر هزار بیت فارسی در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام و ردّ صوفیه است که شرح آن به زبان فارسی اثر مؤلف می باشد.(۱)

تحفه المحققین؛ مؤلف: شیخ احمد دامغانی معاصر مولی حسن یزدی صاحب مهیج الاحزان، این کتاب شبیه کشکول و به زبان فارسی می باشد.(۲)

ترجمه الذهبیه؛ مؤلف: سید شمس الدین محمد بن محمد بدیع الرضوی مشهدی صاحب «الحبل المتین» و «وسیله الرضوان».(۳)

تفسیر آیه البسمله؛ مؤلف: سید محمد حسین بن شمس الدین محمد النسابه.(۴)

تفسیر سوره الفجر؛ مؤلف: مولی احمد بن حسن یزدی مشهدی واعظ.(۵)

شرح الصحیفه؛ مؤلف: علامه محمدباقر مجلسی؛ این کتاب به زبان فارسی بوده و قریب پنج هزار بیت می باشد.(۶)

شرح قصیده میرفندرسکی؛ مؤلف: مولی عباس دارابی شاگرد مولی هادی سبزواری می باشد.(۷)

المسؤلات؛ مؤلف: کربلایی علی بروجردی؛ این کتاب شامل جواب مسائلی

۱- ۴۶. الذریعه، ج ۳، ص ۴۱۷.

۲- ۴۷. الذریعه، ج ۳، ص ۴۶۷.

۳- ۴۸. الذریعه، ج ۴، ص ۱۰۳.

۴- ۴۹. الذریعه، ج ۴، ص ۳۲۵.

۵- ۵۰. الذریعه، ج ۴، ص ۳۴۱.

۶- ۵۱. الذریعه، ج ۱۳، ص ۳۴۷.

۷- ۵۲. الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۵.

است که مؤلف از استاد خود مولی محمد تقی مجلسی سؤال کرده است.(۱)

شمس الحقیقه؛ مؤلف: میرزا محمد بن عبد النبی بن عبد الصنائع اخباری نیشابوری (م ۱۲۳۲ ق).(۲)

طراز المصائب؛ مؤلف: مولی نظر علی بن سلطان محمد طالقانی (م ۱۳۰۶ ق) این کتاب مشتمل بر مطالبی در مقتل می باشد.(۳)

طیف الخیال فی المناظره بین العلم والمال؛ مؤلف: مولی محمد مؤمن بن حاج محمد قاسم جزایری شیرازی شاگرد مولی شاه محمد بن محمد شیرازی صاحب شرح (الصحیفه).(۴)

حقیقه الاعیان فی معرفه الانسان؛ مؤلف: میرزا محمد بن عبدالعلی معروف به اخباری.(۵)

الرد علی العامه؛ مؤلف: حاج مولی حسن بن علی کشوی یزدی حایری؛ این کتاب بیان ابطال خلافت کسانی است که بر علی علیه السلام مقدم شدند.(۶)

رشحات عین الحیاه؛ مؤلف: مولی حسین بن علی واعظ کاشانی بیهقی؛ این کتاب شامل مقالاتی چند در طبقات خواجگان و سلسله نقش بندیه و مناقب

ص:۴۶

۱- ۵۳. الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۷۶ و ج ۲۱، ص ۲۹.

۲- ۵۴. الذریعه، ج ۱۴، ص ۲۲۱.

۳- ۵۵. الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۵۹.

۴- ۵۶. الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷ - ۱۹۶.

۵- ۵۷. الذریعه، ج ۷، ص ۴۷.

۶- ۵۸. الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

خواجه ناصرالدین عبیداللّه نقش بندی و ... می باشد.(۱)

زهر الربیع فی الطرائف والملح والمقال البدیع؛ مؤلف: سید نعمت اللّه بن عبداللّه موسوی تستری (م ۱۱۱۲ ق). جلد اوّل این کتاب مکرر چاپ شده و جلد دوم به دلیل عدم اقبال مردم به آن چاپ نشده و لذا نسخه دوم جلد دوم کمتر است. صاحب الذریعه گوید: جلد دوم این کتاب را نزد شیخ علی اکبر نهاوندی در خراسان دیده است.(۲)

رساله فی السیر والسلوک؛ مؤلف: نورالدین اخباری محمد بن محمد بن مرتضی کاشانی برادر محدث فیض کاشانی.(۳)

شرح دعای شجره النبوه؛ مؤلف: مولی احمد واعظ یزدی (م ۱۳۱۰ ق). این کتاب مشتمل بر هشت هزار بیت می باشد.(۴)

قلائد اللئالی؛ مؤلف: نصر اللّه بن شهر اللّه ترمذی؛ این کتاب به زبان فارسی و شرح جامع الحکایات است که مؤلف برای غلامرضا بن محمد علی آرانی کاشانی تصنیف کرده است.(۵)

لب شرح المثنوی؛ مؤلف: مولی حسین بن علی واعظ کاشفی بیهقی (م ۹۱۰ ق)

ص:۴۷

۱- ۵۹. الذریعه، ج ۱۱، ص ۲۳۵.
۲- ۶۰. الذریعه، ج ۱۲، ص ۶۹.
۳- ۶۱. الذریعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳.
۴- ۶۲. الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۵۲.
۵- ۶۳. الذریعه، ج ۱۷، ص ۱۶۴.

به این کتاب لب اللباب هم گفته می شود.(۱)

لطائف الآثار و جواهر الاخیار؛ مؤلف: شیخ سلیمان بن محمد معاصر شیخ حرّ عاملی رحمه الله(۲)

اللمعات فی شرح دعاء السمات؛ مؤلف: سید ابوالقاسم بن سید محمد باقر حسینی علوی فاطمی.(۳)

مباحثه النفس؛ مؤلف: مولی محمد طاهر؛ این کتاب در مواعظی خطاب به نفس عماره و ... می باشد.(۴)

المجالس الاربعون؛ مؤلف: مولی محمد بن مقیم بن شریف درزی بار فروشی مازندرانی. این کتاب در مواضع الهیه می باشد که عنوان هر مجلس آیه ای از قرآن است.(۵)

مجالی الانوار؛ مؤلف: میرزا محمدبن عبد النبی بن عبد الصنائع نیشابوری اکبر آبادی معروف به اخباری؛ این کتاب مشتمل بر مطالبی در مبدأ و معاد می باشد که خود مصنّف شرحی بر آن نوشته که به «مجالی المجالی» نام گرفته است.(۶)

۱- ۶۴. الذریعه، ج ۱۸، ص ۲۸۷.

۲- ۶۵. الذریعه، ج ۱۸، ص ۳۱۲.

۳- ۶۶. الذریعه، ج ۱۸، ص ۳۴۶.

۴- ۶۷. الذریعه، ج ۱۹، ص ۴۱ - ۴۰.

۵- ۶۸. الذریعه، ج ۱۹، ص ۳۵۸.

۶- ۶۹. الذریعه، ج ۱۹، ص ۳۷۳؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۵۱.

تحفه المؤمن؛ مؤلف: مولی احمد دامغانی معاصر فتحعلی شاه.(۱)

معارف العارفین؛ مؤلف: محمد بن نصراللّه اللائمی؛ این کتاب مختصر و در دو فصل می باشد.(۲)

مفتاح المطالب فی شرح المکاسب؛ مؤلف: سید محمد مولانا تبریزی(۳)

منهج الفاضلین فی معرفه الائمه الکاملین؛ مؤلف: شیخ محمد بن اسحاق بن محمد الحموی؛ این کتاب به زبان فارسی و مبسوط در امامت می باشد.(۴)

میزان الحق؛ مؤلف: مولی حسن بن علی الکشوی یزدی حائری.

این کتاب به زبان فارسی و در ردّ عامه و خلافت متقدّمین می باشد.(۵)

نجم الولایه لمن اراد الهدایه؛ مؤلف: محمد بن عبد النبی اخباری.(۶)

نصیحت نامه شاهی؛ مؤلف: ملّا حسین بن علی کاشفی سبزواری. مؤلف، این کتاب را برای پسر سلطان حسین میرزا بایقرا به رشته تحریر درآورده است که مشتمل بر مواعظ و اخلاق منظوم و منثور می باشد.(۷)

تنویر القلوب؛ مؤلف: مولی نورالدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی برادر فیض کاشانی معروف به نورالدین اخباری. این کتاب مشتمل بر ۱۴ باب در بیان معنی یک متن و فضیلت معرفت و کیفیت تحصیل آن است.(۸)

جام جم؛ مؤلف: شیخ محمد علی معروف به علی بن ابی طالب الحزین

این کتاب به زبان فارسی بوده و مشتمل بر «المواليد الثلاثه و کائنات الجو».(۹)

جامع السطین؛ این کتاب در تفسیر سوره یوسف به زبان فارسی و مشتمل بر

۱- ۷۰. الذریعه، ج ۲۰، ص ۲۳۴ و ۲۶ و ۱۷۱.
۲- ۷۱. الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۹۳.
۳- ۷۲. الذریعه، ج ۲۱، ص ۳۴۹.
۴- ۷۳. الذریعه، ج ۲۳، ص ۱۹۵.
۵- ۷۴. الذریعه، ج ۲۳، ص ۳۰۹.
۶- ۷۵. الذریعه، ج ۲۴، ص ۷۰.
۷- ۷۶. الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۸۵.

۸– ۷۷. الذریعه، ج ۴، ص ۴۷۱.

۹– ۷۸. الذریعه، ج ۱۲، ص ۲۱۹ و ج ۵، ص ۲۳.

نکات ادبی عرفانی و اخلاقی در ۶۰ فصل می باشد.(۱)

جنه النعیم در احوال معراج النبی؛ مؤلف: مولی محمد علی بن محمد معروف به علی البرغانی. این کتاب همچنین شامل مطالبی پیرامون امام حسین علیه السلام و طریق سلوک آن حضرت می باشد که جلد پنجم آن کتاب ریاض الاحزان بوده است.(۲)

الحبل المتین؛ این کتاب مشتمل بر معجزه ظاهر شده بعد از دفن مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام به زبان فارسی و نزدیک هشت هزار بیت می باشد.(۳)

حقوق آل محمد علی سائر العباد؛ مؤلف: مولی حسن بن علی یزدی کشوی حائری.

این کتاب به زبان فارسی و وجیزه ای مختصر بوده که در آن سی حق به

۱- ۷۹. الذریعه، ج ۵، ص ۵۸.
۲- ۸۰. الذریعه، ج ۵، ص ۱۶۱.
۳- ۸۱. الذریعه، ج ۶، ص ۲۳۹.

رشته تحریر درآمده است.(۱)

نظم الغرر و نضدالدرر؛ مؤلف: عبدالکریم بن محمد یحیی بن محمد شفیع قزوینی بن محمد رفیع بن فتح اللّه معاصر شاه سلطان حسین صفوی. این کتاب در نود و نه باب به عدد اسماء حسنی تصنیف شده است.(۲)

نواصیص العجب فی شرح زیاره رجب؛ مؤلف: ملا احمد بن حسن یزدی.(۳)

وسیله الرضوان فی کرامات سلطان خراسان؛ مؤلف: شمس الدین محمد بن بدیع الرضوی از رؤسای خادمین آستان قدس و از علمای عصر صفوی معاصر شاه طهماسب دوم.(۴)

جواهر الکلمات لبصائر النسمات (ملقب به کحل الجواهر لجلاء البصائر)؛ این کتاب در سه جلد اصول دین، فروع دین و اخلاق می باشد.(۵)

ضمناً بخشی از دست نوشته های علامه نهاوندی همچون بخشی از عبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام در کتابخانه مدرسه حجّتیه قم نگهداری می شود.

۱- ۸۲. الذریعه، ج ۷، ص ۴۲.
۲- ۸۳. الذریعه، ج ۲۴، ص ۲۱۸.
۳- ۸۴. الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۵.
۴- ۸۵. الذریعه، ج ۲۵، ص ۷۷.
۵- ۸۶. الذریعه، ج ۲۶، ص ۲۶۴.

ترجمه دستخط مبارک علامه محمّد حسین کاشف الغطاء که بر کتاب شریف عبقری الحسان نوشته شده است:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

نظرت فی هـذا الکتاب المسـتطاب الذی هو من حسـنات هذا العصـر بل من مفاخر الدهر والنفس الخدمات لولی الامر عجل اللّه فرجه و هو من الباقیات الصالحات من رشـحات قلم المولی الاجل ملاذ الانام حجه الاسـلام الحاج شیخ ملا علی اکبر النهاوندی دامت برکاته و تَوالت افاداته.

حرره العبد الاحقر محمد الحسین الکاشف الغطاء

فی المشهد الرضوی علی مشرفه الف تحیه وسلام.

۲ جمادی ۲ سنه ۱۳۵۲

ص:۵۲

بسم اللّه الرحمن الرحیم

در این کتاب شریف نگریستم و آن را از برترین حسنات عصر حاضر بلکه از مفاخر دهر یافتم و نیکو خدمتی است برای حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه و از باقیات صالحاتی است که از قلم مولای فاضل حضرت حجه الاسلام و ملاذ الانام حاج شیخ علی اکبر نهاوندی دامت برکاته تراوش یافته است.

نوشته شد به دست عبد حقیر خداوند، محمّد حسین کاشف الغطاء(۱) در مشهد مقدس رضوی که بر زائرانش هزار مرتبه درود و سلام باد.

دوم جمادی الثانیه سال ۱۳۵۲ قمری

۱- ۸۷. مرحوم آیه اللّه محمد حسین کاشف الغطاء در سال ۱۲۹۶ هجری در نجف اشرف متولد شد و در همان جا به تحصیل علوم مختلفه، ادبیات، فقه، اصول و حکمت پرداخت و در اثر کوشش و مجاهدات فراوان به مقامات علمی بزرگ رسید و متجاوز از ۹۰ جلد کتاب تألیف نمود. از جمله تألیفات ایشان کتاب های زیر است: الدین و الاسلام ۳ جلد؛ المراجعات الریحانیه ۲ جلد؛ الآیات البینات؛ الفردوس الاعلی؛ اصل الشیعه و اصولها؛ تحریر المجله ۵ جلد؛ التوضیح فی البیان ما هو الانجیل و من هو المسیح ۲ جلد؛ المعنی عن الاغانی الوجیزه فی الفقه؛ التربه الحسینیه نبذه من السیاسه الحسینیه؛ الجنه السماوی؛ المثل العلیا فی الاسلام لافی بحمدون؛ محاوره با سفیر انگلیس و آمریکا در عراق ایشان مدتها در دانشگاه الازهر مصر تدریس کرد و چون نزد برادران اهل تسنّن مورد اعتماد بودند، خدمات شایانی در نشر حقایق شیعیان نموده اند. ایشان ضمن مسافرتهایی به ایران، سوریه، پاکستان، عربستان، فلسطین و مصر سخنرانی های فراوان ایراد کرد و برای بیداری مسلمانان مقالات فراوان نوشت. مرحوم شیخ تا در قید حیات بود همه او را به عنوان یک شخصیت برجسته علمی از لحاظ فقه و اصول و ادب می شناختند. او با قلم توانا و موشکاف و پر مغز خود توانست بسیاری از پرده های اوهام را راجع به مذهب حقّه تشیع پاره کند و عقاید شیعه را آن چنان که هست به عموم مسلمانان جهان معرفی نماید. مرحوم کاشف الغطاء صبح روز سه شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۳۳ (ذی قعده ۱۳۷۳) در کرند کرمانشاه به سن ۸۰ سالگی درگذشت. «برگرفته از کتاب مصاحبه با مرحوم استاد سید غلامرضا سعیدی درباره مرحوم علّامه محمد حسین کاشف الغطاء، ص ۸۴-۷۵».

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹